

گنجی: نمادی که از ما نیست

چندی است از گوشه و کنار و از بالا، ما را به دفاع از مردی می خوانند که نماد عدالت خواهی اش نامیده اند. عکس های در حال احتضارش را چاپ می کنند، مویه های همسرش را از رادیوها پخش می کنند، جلسه پالتاکی می گذارند، مقاله می نویسند، پیام می دهند، نماینده پارلمان اروپا می فرستند.... خلاصه یک دستگاه قدرتمند تبلیغاتی براه افتاده که از دعای توسل گرفته تا ویدئو کلیپ، از خرافه گرفته تا تکنولوژی قرن بیست و یکم را بکار می گیرد تا مبارزات مردم را در مسیر اهداف گنجی بکشاند. می گویند «مظهر شجاعت» است، «یک تنه به مصاف با استبداد حاکم رفته است» و کسی که از گنجی دفاع نکند نمی تواند داعیه دموکراسی خواهی و آزادی داشته باشد.... و این همه ما را به یاد روزهایی می اندازند که کسانی دیگر، با افکاری نه چندان متفاوت، می گفتند اگر به جمهوری اسلامی «آری» نگویند، طرفدار سلطنت اید.

گنجی مظهر شجاعت؟ نه گفتن به جمهوری اسلامی، در آن ابتدا که بسیاری خمینی را نویدبخش رهایی می دانستند، شجاعت می خواست و ما به جمهوری اسلامی نه گفتیم. مبارزه با حجاب اجباری، در آن روزها که سرخم نکردن در مقابل دستورهای خمینی و چماق دارانش وحشیانه سرکوب می شد شجاعت می خواست و ما سر خم نکردیم. از ابتدا ولایت فقیه و نظام ستم و استثمار را که خمینی و شرکایش تثبیت می کردند به چالش گرفتیم، از زندان و شکنجه و جوخه های اعدام نترسیدیم. زن بودن در ایران اسلامی شجاعت می خواست و ما بودنمان را فریاد کردیم. گنجی در این سال ها همصدا و هم دست قدرت بود. گنجی مظهر شجاعت مبارزاتی مردم ایران بر علیه جمهوری اسلامی نیست.

گنجی نماد عدالتخواهی؟ هنگامی که جمهوری اسلامی با سرمدمداری خمینی کمر به سرکوب انقلاب مردم بست، زنان را به پشت پرده کشاد، کردستان را بمباران کرد، به دانشگاه ها یورش برد، انقلابیون را به جوخه های اعدام سپرد و همه مردم را اسیر جنگ کرد، گنجی در کنار و همدست این رژیم بود. پشیمان شده؟ پس چرا دست خمینی در اعدام های 67 را پنهان می کند؟ (و از جنایات قبل از آن سخنی به میان نمی آورد؟) چرا دستگاه عریض و طویل سلطه و سرکوب و فساد جمهوری اسلامی را به شخص خامنه ای خلاصه می کند؟ نه گنجی پشیمان نشده. گنجی گوشه ای از جنایات نظام را افشا می کند تا شاید مردم جنایات دیگرشان را فراموش کنند. تا شاید مردم نقش او و هم پالکی هایش (از جمله سروش و حجاریان) را در تثبیت این رژیم خونخوار و ضد زن فراموش کنند. تا شاید او و یارانش بتوانند با اصلاحاتی چند، عمر نظام را طولانی تر کنند. برای دستیابی به عدالت باید زور و ظلم را بی محابا و در همه جا افشا کرد و با بانیان آن تصفیه حساب کرد. ولی گنجی با جعل تاریخ نشان می دهد که عدالتخواه نیست.

گنجی زندانی سیاسی هست، ولی از مردم نیست. گنجی نیز باید همانند کلیه زندانیان سیاسی جمهوری اسلامی آزاد شود. ولی به عرش بردن گنجی، و او را سمبل و قهرمان مبارزه با استبداد خواندن، حربه ایست برای انکار ارزش و قدرت مبارزات واقعی مردم بر علیه کلیت نظام. مبارزه برای آزادی گنجی را محور مبارزه ضد رژیمی کردن، چیزی نیست جز عدم دفاع قاطع و ضروری از کلیه زندانیان سیاسی و سایر مبارزات - زندانیانی که سال ها بی نام و نشان در زندان های جمهوری اسلامی دفن شده اند؛ مبارزاتی که هم امروز در کردستان به خون کشیده می شود. و این یعنی منحرف کردن انرژی مبارزاتی مردم در جهت اهداف ضد مردمی گنجی.

13 مرداد 1384 ، 4 اوت 2005

Zan_dem_iran@hotmail.com

www.8mars.com